

هنر و تجارت

در قسمت بحث هنر در دوره مغول، به قلت المصادر و عدم المعلومات
هنر
مواجه هستیم اینقدر میدانیم که در سنگتراشی افغانستان مکتب مخصوصی
که خودمو جد آن بود مکتب هنری گریکو بود یک یا گندها را اسکول آف آرت
نام داشت که شاید در دوره اسلام تحول کرده باشد و مکتب هنری سنگتراشی اسلامی
جانشین آن شده باشد. چون اسلام با سنگتراشی میانه خوبی نداشت اصلاً این صنعت
در اوایل رشد نکرد و بنا بر آن پس از هجوم مغول نیز تحول و اضحی در سبک سنگتراشی
بمیان نیامد. سبک معمول سنگتراشی اسلامی مسخ ساختن شکل حیوانات جاندار
بوده یکی از نمونه های مجسمه شیرهاست در دارالاسود قصر الحمراء.
رسامی (نقاشی) در افغانستان از زمانهای بسیار قدیم و قبل از اسلام موجود بود
نمونه بارز و عام آن نقاشی سقف طاق بت سی و پنج متری و پنج متری بامیان است
نقاشی طاق بت سی و پنج متری عبارت از مجلسی است که رب النوع مهتاب را به قیافه جوانی
روی عراده ای ایستاده نشان میدهد. در طاق بت پنج و سه متری تصاویر قشنگ بودیساتوا
باچشمان بادامی، مژگان بلند باز و های رسا و از گشتان دراز و تصاویر قشنگ یک
دسته زن های نیمه برهنه با کمرهای باریک و سینه های برجسته بازیابانی فریبنده خود
دیده می شود. (۱)

چون اسلام کشیدن تصاویر را جائز نمیدانست پس از انتشار آن دین نوعی از نقاشی
رواج گرفت که آن را باصطلاح فلورل دیزاین و جیو متریکل پیترن میگویند. این نوع

نقاشی در دوره سلجوقیان که عصر ابتکار و اختراع نبود (۱) تقلید شد. نمونه بارز آن از لشکرگاه در اثر مغریات بدست آمد (۲) و در طاق بست، موجود است. میگویند در دوره مغول بعضی قسمت‌های صنعت بپایه بلندی رسیده در معماری، این دوره، با روش و تزئین بیشتری در طرح‌های جدید توجه می‌شود میناتور سازی و نقاشی کتب درین عصر شروع شد اما چون آثاری از نقاشی مخصوص آن دوره در افغانستان به نظر ما نرسیده نمیتوانیم درین مورد بیشتر ازین صحبت کنیم نقاشی مغول در افغانستان در دوره مابعد یعنی دوره تیموری ترقی کرد و مکتب هنری نقاشی هر ات بمیان آمد که آن خود بحث جداگانه ای میباشد. از دوره مغول محرابی از کاشی شفاف در کاشیان بدست آمده که فعلاً در یکی از موزه های براین موجود است. تاریخ آن به ۶۲۳ هجری (۱۲۲۶ م) میرسد که چند سال بعد از خرابی کاشان بدست مغول میباشد در معماری نیز ما اثر بارزی از دوره مغول نداریم تا روی آن قضاوت کنیم با حمله چنگیز آبانانی های این مملکت از بین رفت و شاهکار معماری اسلام در دوره مابعد (دوره غوری) در هرات به میان آمد. راست است که در تاریخ سیفی هر وی می بینیم (۳) که بسال ۶۳۴ هجری، دوره اکتای، شهر هرات آباد شد. اما نمونه واضحی از عمارات این دوره امروزه برای ما نمانده. در دوره ایلیخانی ها بنیه و عماراتی در ایران، که مرکز امپراطوری بود، بمیان آمد این عمارات عبارت است از شب غازان، باروی تبریز، سلطانیه و سلطان آباد چمچال بتوسط الجایتو دارا لسیاده و خانقا و مساجد و مدارس و امثال آن.

مغولها پس از فتوحات دولت واحدی در آسیا تشکیل

تجارت

دادند و باین ترتیب قراقرم پایتخت مغولستان به شهرهای

عمده ممالک و راه آن به راهروانستان و ایران مربوط شد.

ورفت آمد قافله هابین ممالک متمدن قدیم دایر گردید. بر علاوه ایلیخانی ها

خواستند روابط نزدیک با سلاطین عیسوی داشته باشند و روابط آنها را با پادشاهان

غرب در همین کتاب دیدیم. با نتیجه یک عده سیاحان و سفرا و مبلغین عیسوی

(۱) تاریخ صنایع ایران ص ۱۷۵

(۲) برای مطالعه بیشتری رجوع شود به لشکرگاه. تالیف کهزاد

(۳) ص ۹۴

به آسیای شرقی و مرکزی آمد و در مراجعت اطلاعات بسیار قیمتمنداری در باب تمدن و آبادی و راهها و تجارت و امتعه نفیسه آسیا در اروپا جهت هموطنان خود نشان دادند و انتشار این معلومات در اروپا اهمیت راهسبب ایجاد روابط تجارتنی ما بین اروپا و آسیا گردید و تجار و نیز جینوا در اثر این رفت و آمدها سعی کردند راه تجارتنی بین شرق و غرب افتتاح کنند. این تجار میگویند که به امتعه چین و ادویه هند دست یابند و از اثر فعالیت آنها و تسهیلات راه زمینی راه چین از طریق روسیه و راه هند از طریق افغانستان دائر شد.

راهای عمده چین و هند و بنادر دریائی آذربایجان و سیاهسره بود:

- (۱) راه چین که به مناسبت تجارت ابریشم آنرا راه ابریشم نیز میگویند: این راه از آسیای مرکزی میگذشت و بدریای سیاه منتهی میگشت
 - (۲) راه هند، این راه از پشاور و کابل و بلخ گذشته به خوارزم میرسد و از آنجا به اشترخان و دارالتجاره های تجار جینوائی و وینزی منتهی میگردد.
 - (۳) راه بحری هند به بندر هرمز.
- طوری که مسی بیسم یک قسمت عمده این تجارت که همان تجارت راه هند باشد بدست تجار محلی در افغانستان صورت میگرفت. منابعی هم در دست هست که صنعت پارچه بافی در حوالی همین اوقات در هرات موجود بوده. چنانچه ضمن بحث مجدد شهر هرات در تاریخ سیفی، وی مامی بینیم که اکتای هرات از خانه از جامه بافان را به آن شهر برگرداند (۱)

(۱) سیفی هروی: تاریخنامه هرات ص ۱۰۶

.....

اورفت و دلم با زنیامد ز برش

من چشم بره گوش بد ربر اثرش

چشم آید ز گوش که داری خبرش؟

گوش آید ز چشم که دیدی دگرش؟

« خاقانی »